

خارجی باشد.

تحلیل رعم طاعتی از نظریه‌ی والریستین برگرفته شده است. والریستین می‌گوید انقلاب در کشورهای پیرامونی علیه نظام سلطه شکل می‌گیرد.

در مورد نظریه‌ی اسکاجیول در مورد ایران باید گفت در انقلاب ایران در ظاهر این اتفاق نیفتاد، اما برعکس در یک اجتماع و دیدگاه ایرانی است، یعنی این درک ایجاد شده بود که بزرگترین و نظامی مسلط بر ایران نابالغ است. طاعتی از نظریه‌ی والریستین این گونه استفاده می‌کند که جریان انقلاب ایران، انقلابی در کشورهای پیرامونی بوده است. سازه مره‌ی آمریکایی و نظام سلطه را مردم نپذیرفتند و انقلاب علیه نظام سلطه رخ داد.

جلسه هشتم . ۹۳/۹/۳

* در این جلسه دو تن از دوستان (آقای بیگی و راجی) به ارائه‌ی مباحث کتب مطالعه شده پرداختند. دو کتاب «خاطرات شاپور بختیار» و «انقلاب اسلامی و تهدیدات» مورد بررسی قرار گرفت.

جلسه نهم . ۹۳/۹/۱۰

پروژه‌ی کتب توسط آقای باغبانی و مصطفی زاده.

جلسه دهم . ۹۳/۹/۱۷

بازدید از مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

جلسه یازدهم . ۹۳/۹/۲۴

نظریات سیاسی انقلاب اسلامی ایران

یکی از نظریه‌پردازان سیاسی انقلاب ایران، «آبراهامیان» است. کتابی با عنوان «ایران بین دو انقلاب» دارد. او در حین این نظریه، از نظریه‌ی هانتینگتون در تحلیل خود استفاده می‌کند.

هانتینگتون معتقد است انقلاب با در جوامع در حال توسعه رخ می‌دهد و در جوامع سنتی، عقب مانده و توسعه یافته انقلاب رخ نمی‌دهد. هم چنین از دیدگاه هانتینگتون:

انقلاب در کشورهای رخ می‌دهد که توسعه‌ی اقتصادی مبنا قرار می‌گیرد، اما به توسعه‌ی سیاسی توجهی نمی‌شود؛ یعنی به احزاب سیاسی توجهی صورت نمی‌گیرد.

دوره‌ی بررسی ← ۲۵ سال آخر حکومت پهلوی (کودتای ۲۲ تا بهمن ۵۷)

ل ← این دوره را به این دلیل انتخاب می‌کنند که توسعه‌ی اقتصادی در این سال‌ها روند افزایش داشته و در مقابل توسعه‌ی سیاسی روند کاهش داشته است.

آبراهامیان با مراجعه به آثار لای مختلف در عرصه‌های آموزش، صنعت، ... سعی در اثبات فرضیه‌ی خود دارد. به عنوان نمونه، می‌توانیم طری این سال‌ها، در آمد نفتی ایران، ۴ برابر سال

در عرصه‌ی آموزش نیز رشد شتابان داشته است.

* آبراهامیان می‌گوید در ایران ۳ طبقه از مردم وجود داشت: ۱) علما و روحانیون ۲) طبقه‌ی بازار ۳) طبقه‌ی روشنفکران ۴) طبقه‌ی متوسط شهری ۵) طبقه‌ی کارگر

ل ← شامل: کارمندان، کارفرمایان، دانشجویان

* آبراهامیان معتقد است طبقه‌ی متوسط شهری و کارگر در طول این ۲۵ سال رشد وسیعی یافت.

آبراهامیان منوچهر با استنادن که صورت گرفت میان طبقات پنج گانه ایران و جدایی و رهبری امام خمینی (ع) انقلاب به وقوع پیوست
 آبراهامیان ناظر به مجلس دوم نظریه های هائینستون منوچهر اخراج مختلف در ایران گفتمانها شده و تنها حزب
 رستخیز مورد توجه قرار گرفت. احزاب ملته، چپ و گروه های اسلامی خودی حذف شدند و یک حزب دولتی شکل
 گرفت. از طرف دیگر سندیکالی کاری نیز که مطالبات کارگران را برتری می کردند، مورد سرکوب واقع شدند.
 در چنین شرایطی با انتقافن سیاسی و توسعه اقتصادی، طبقات ناراض ایران با پیوستن به امام خمینی (ع) انقلاب
 ایران را شکل دادند.

جلسه دوازدهم، ۱۰/۱۰/۹۳

جلسه سیزدهم، ۱۰/۱۰/۹۳

تطبیق نظریه های کلاچپول با انقلاب ایران

کلاچپول در کتاب خود با بررسی همه انقلاب چین، روسیه و فرانسه منوچهر انقلاب در جوامع کشاورزی رخ می دهد. اما انقلاب ایران
 در جوامع ای کشاورزی رخ ندارد. هم چنین است در خصوص نیگارالو.

اصل نظریه: انقلاب در جوامع کشاورزی این که به سوی توسعه حرکت می کنند، رخ می دهد. اقدام به توسعه خطرناک دارد. دولت را
 برای اقدام به توسعه، مالکیت را از افزایش می دهند. مالکیت از زمین داران اخذ می شود. اکثر زمین داران از حاکمان نباشند، اقدام
 به توسعه به احتمال زیاد، موفقیت آمیز خواهد بود. اما اکثر زمین داران جزو حاکمان نباشند، برای این که از غیر بار مالکیت دادن
 خارج شوند، مالکیت را به دهقانان تحویل می کنند. دهقانان فشار تحمیل شده را بر زمین باند و اقدام به شورش می کنند. از طرف
 دیگر چون دولت درگیر جنگ این خارجی است، قوای نظامی ضعیف دارد و نمی تواند با شورش مقابله کند. به علاوه ضعف نظام
 اداری نیز به پیش برد انقلاب کمک می کند. فکدهس دیگر این که چون روستاها به هم دیگر نزدیک هستند، می به ایجاد یک شورش
 همگانی کمک می کند.

نوعی مردم در نظریه کلاچپول جای ندارد. به نقش رهبران نیز توجه ندارد. منوچهر اگر عوامل بالا ایجاد شود، انقلاب رخ می دهد.
 * ناصر هادیان تطبیق نظریه کلاچپول را با انقلاب ایران مورد بررسی قرار داده است. او در تحلیل خود می گوید:

- جامعه ای ایران کشاورزی نبود.
- ایران درگیر جنگ خارجی نبود.
- قدرت سرکوب نظامی ایران ضعیف نبود.
- نظام اداری ایران قوی نبود، اما ضعیف هم نبود.

پایخ کلاچپول به اشکالات فوق:

کلاچپول به جای جامعه ای کشاورزی، مفهوم دولت تحصیلدار (دولت رانیه، مکن به فروش نفت) را قرار داد. هرگاه دولتی
 وابسته به نفت شد، ارتباط دولت با مردم قطع می شود. چرا که وقتی نفت وجود دارد، دیگر به سراغ مردم نمی رود. فاصله ای
 ایجاد شده بین دولت و مردم، باعث سندیکالیات مردمی به حکومت مستقل نشود.

نقدی دیگر هادیان

به انقلاب روسیه به این دلیل رخ داد که فاصله ای میان روستاها کم بود، در نتیجه شورش های دهقانان به هم پیوستند. اما انقلاب
 ایران، انقلاب شهری بود.

در انقلاب ایران، عنصر آگاهی نقش بسیار مهمی داشته بود و رهبران در شکل گیری انقلاب ایران مؤثر بودند. نقش فرهنگ و ایروژنری را نباید نادیده گرفت.

در ایران تنها کشور تحصیلدار نیست؛ چرا در کشورهای دیگری که مثلی به نفت هستند، انقلاب رخ نمی دهد؟

جلسه چهاردهم، ۱۵/۱۰/۹۳

نظریه چهارلز تبیلی

نظریه چهارلز تبیلی جزو نظریات سیاسی است و فرقی با نظریه های سوسیالیست این است که هائینسون باضابطه است اما تبیلی معتقد به تعارض است. یعنی هر چه تعداد انقلابیون و استلاف نیروهای مخالف در برابر نیروهای مستقر بیشتر باشد، امکان پیروزی بالاتر است.

نظریه تبیلی متأثر از نظریه مارکسیست است. نکته کلیدی نظریه چهارلز تبیلی این است که انقلاب را یک رفتار جمعی (کنش گروهی) می دانند. می گویند در این رفتار جمعی یک سری پارامتر لازم است:

اول این که سازمان مستقل داشته باشند.

دوم این که منافع مشترک برای خود تعریف کنند. مثلاً سقوط سلطنت پهلوی

سوم این که تجربه امکانات و بسیج امکانات (از تقویت جمعیت تا سلاح و...) داشته باشند.

چهارم استفاده از فرصت؛ یعنی استفاده از تاکتیک بهترین صورت.

وقتی این پارامترها در کنار هم قرار بگیرند و یک استلاف شکل گیرد، می تواند در برابر نیروهای مستقر پیروز شود.

چهارلز تبیلی به شریوعیت، ایروژنری و چپ امکان جذب گروه های مختلف هم تأکید زیادی دارد که این جزو عناصر کنش گروهی است.

تطبیق نظریه چهارلز تبیلی با انقلاب ایران:

هادی سمعی رساله دکتری خود را به این موضوع اختصاص داده است؛ کاری شبیه کار آبراهامیان در استفاده از نظریه های سوسیالیست.

سمعی گروه های مختلف را می گویند استلاف کنند نام می برد: یک گروه تبیلی (بازار و روحانیون)، طبقه کارگر، طبقه روشنفکر و طبقه متوسط، دو طبقه کارگر و متوسط، توسط خود حکومت ایجاد شده بود و دلیل آن ضعف شدن جامعه بود. این دو طبقه (کارگر و متوسط) به دلیل نارضایتی و عدم داشتن سذیک لای لازم، معترض بودند. تعداد روشنفکران هم زیاد بود و مطالباتشان هم مخالف حکومت بود.

این پنج گروه به هم نزدیک شدند. رهبری این گروه را روحانیت و امام خمینی (ره) دست گرفتند؛ چون توانستند منافع مشترک بین خودشان تعریف کنند.

بسیجی که توسط روحانیت شکل گرفت، باعث شد وفاداری اجتماعی ایجاد شود. حکومت بدلیل اسلامی به جای حکومت پهلوی باعث ایجاد وفاداری لای اجتماعی به امام خمینی (ره) شد. وقتی نیروهای چالشگر زیاد مشخص شد و حکومت بدلیل وجود داشت، به نیروزی نزدیک شدند.

این گروه لا امکانات به دست آوردند، نیروی نظامی، اسلحه لای دست ساز، تأمین مالی توسط بازار.

هادی سمعی، نکته ای به بحث تجربه چهارلز تبیلی اضافه می کند. چهارلز تبیلی فقط تجربه مادی را مطرح می کند اما سمعی

تجربہ معنوی رائے اضافہ میں کندہ۔ وعدہ ہی پشت، شہادت و...
ایجاد منافع مشرک، استفادہ از فرصت لا توسط امام خمینی (ع) و شکل سازمان باعث پروری شد۔ استفادہ
از فرصت در روز ۲۱ جون و سلسلہ حکومت نظامی جلوه تر شد۔